

مدل عمومی و شاخص سازی امنیت اجتماعی زنان

در فضاهای شهری

اعظم روانشاد^۱، فرانک سیدی^۲، مریم یارمحمد توسکی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۱/۵/۰۰، تاریخ تأیید: ۱۷/۷/۰۰

چکیده

امنیت اجتماعی زنان در فضاهای شهری مفهومی چندبعدی است و برای مدل و شاخص سازی به پژوهش های نظری و مفهومی و تجربی نیاز دارد. بنا به اهمیت و ضرورت سیاست گذاری برای امنیت اجتماعی زنان، این مقاله به دنبال ارائه مدلی عمومی و شاخص سازی آن است. این پژوهش از نظر هدف، توسعه ای و کاربردی است و به لحاظ روش کیفی از نوع دلفی و اسنادی است. پژوهش های این حوزه با روش اسنادی مرور شده و مدل و شاخص اولیه طراحی گردیده و در سه راند به بوته آزمون گذاشته شده است. جامعه آماری پژوهش استادان، پژوهشگران و کارشناسان حوزه امنیت اجتماعی اند. اعضای کارگروه هم با نمونه گیری هدفمند انتخاب شده اند. برای اعتباریابی مدل و شاخص از هشت نفر نخبه دانشگاهی (متخصص در حوزه امنیت اجتماعی) و چهار متخصص علوم انتظامی و امنیت (مدیران و معاونت های اجتماعی سازمان پلیس و معاونت اجتماعی دادگستری) استفاده شده است. این مدل در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، محیطی و اقتصادی کاربرد دارد و چندبعدی به شمار می آید. در این مدل عوامل و سازوکارهای علمی امنیت اجتماعی در فضاهای عمومی تصریح شده است. نتیجه نهایی ارائه مدلی عمومی و شاخص سازی معتبر است؛ به گونه ای که محققان و سیاست گذاران این حوزه می توانند از آن برای تحقیق کردن درباره امنیت اجتماعی زنان در فضاهای شهر و ارتقای آن استفاده کنند.

کلیدواژه ها: امنیت اجتماعی زنان، روش دلفی، شاخص سازی، فضاهای شهری، مدل عمومی

۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم اجتماعی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

farhanglorestan@yahoo.com

۲ استادیار، گروه علوم اجتماعی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. (نویسنده مسئول).

f-saidy@iua-arak.ac.ir

۳ استادیار، گروه علوم اجتماعی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران؛ Tousky.maryam@gmail.com

بیان مسئله

با شهری شدن جامعه انسانی و پیچیده شدن روابط انسانی در شهرها و ویژگی‌های خاص برخی از گروه‌های اجتماعی همچون زنان، مسئله امنیت اجتماعی به‌ویژه در میان زنان در فضاهای شهری به مسئله مهمی تبدیل شده است. امنیت اجتماعی و احساس آن برای همه اعضای جامعه از جمله زنان مهم است، چراکه به‌واسطه داشتن آن است که می‌توانند در جامعه شهری و حوزه عمومی مشارکت داشته باشند و به نقش‌آفرینی پردازند. اگر برای آنان امنیت اجتماعی فراهم نباشد نه تنها زمینه‌های نقش‌آفرینی و لذا رشد و شکوفایشان فراهم نمی‌شود بلکه زنان را به عرصه خصوصی محدود می‌کند که پیامدهای روانی و اجتماعی زیادی را برای آنان می‌تواند به همراه داشته باشد.

بر این اساس باید فضاهای شهری همگانی از آسایش و امنیت برخوردار شود و امکان دسترسی و تعامل اجتماعی همه گروه‌های سنی و جنسی از جمله زنان فراهم باشد؛ بنابراین هر عاملی که به محدود نمودن یا به خطر انداختن حضور گروهی از شهروندان در فضاهای شهری منجر شود، آن‌ها را از حیات اجتماعی در شهر و برآیندهای آن از جمله نشان و رضایت از زندگی محروم می‌کند. نتایج برخی از پژوهش‌ها نیز نشان‌دهنده آن است که زنان مطلوبیت فضاهای عمومی را بیش از هر چیز تابعی از امنیت، دسترسی مناسب، اجتماع‌پذیری، تنوع فعالیت‌ها، نظارت اجتماعی و کیفیت محیطی و کالبدی می‌دانند. چیزی که بیش از هر چیز می‌توان آن را امنیت در فضاهای شهری خواند (پرتوی، ۱۳۹۴).

امنیت اجتماعی مفهومی چندبعدی و پیچیده است و به حفظ ویژگی‌هایی اشاره می‌کند که بر مبنای آن افراد خود را عضوی از گروه یا جامعه قلمداد می‌کنند؛ به عبارتی دیگر با جنبه‌هایی از زندگی فرد در ارتباط است که هویت گروهی او را شکل می‌دهد (Buzan & weaver, 1998). بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهند میزان امنیت اجتماعی زنان در شهرها مسأله‌ای اجتماعی مهمی است و در بسیاری از موارد امنیت اجتماعی زنان و برخی از مؤلفه‌های آن از امنیت اجتماعی مردان در فضاهای شهری کمتر است (شربتیان و دیگران، ۱۳۹۴؛ افشانی و ذاکری‌هامانه؛ ۱۳۹۱) مطالعات نشان داده است امنیت اجتماعی زنان با فضاهای شهری رابطه دارد (مشکینی و دیگران، ۱۳۹۲) و همچنین «جنسیت» با امنیت اجتماعی رابطه مستقیمی دارد و زنان در فضاهای شهری بیش از مردان احساس ناامنی اجتماعی می‌کنند (آزاد و کلانتری، ۱۳۹۳).

بررسی امنیت زنان در فضاهای شهری و عواملی که موجب به خطر انداختن آن می‌شود، نیازمند شناخت این موضوع با مدل‌سازی و شاخص‌سازی آن است. قدم اول تصریح و دلالت معنایی و مفهومی پدیده امنیت اجتماعی است که باعث تحلیل دقیق‌تر آن می‌شود. پس از آن بررسی و شناخت هرکدام از عوامل دیگر هم مهم است. این پژوهش به دنبال مدل‌سازی و شاخص‌سازی امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی شهر است. نتیجه این فرایند ساخت مدل عمومی و گذار از سطح مفاهیم انتزاعی و رسیدن به معرف‌های تجربی برای مطالعه و سنجش این مفهوم است. پیمودن این مسیر ما را به مدل و شاخص امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی می‌رساند.

پرسش‌های این پژوهش به این ترتیب است: چگونه می‌توان مدلی عمومی تهیه کرد که امنیت اجتماعی زنان را در فضاهای عمومی شهر بررسی کند؟ چگونه می‌توان برای این مدل شاخص‌های معتبری تهیه کرد که بتواند امنیت اجتماعی زنان را در فضاهای عمومی شهر بسنجد؟ این شاخص‌ها و مؤلفه‌ها و ابعادی است؟ معرف‌های معتبر شاخص‌های سنجش امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی کدام است؟

مروری بر پیشینه تجربی و نظری

یکی از مشخصه‌های اصلی سازمان سیاسی و اجتماعی در تمام شهرها، عرصه‌های عمومی و خصوصی شهر و نحوه حضور شهروندان در آن‌هاست. حضور شهروندان در عرصه‌های شهری به چگونگی سازمان‌دهی و مدیریت فضا بستگی دارد که می‌تواند تعیین‌کننده الگوهای رفتاری در فضای شهری و زندگی اجتماعی در شهرها باشد. فضاهای عمومی مکان‌هایی است که شهروندان بتوانند بدون هیچ‌گونه تبعیض یا محدودیت وارد آن شوند (Graham & Aurigi, 1999).

مین و تایمز نیز برای فضاهای شهری دو مشخصه عمده قائل‌اند؛ نخست، دسترسی نامحدود و آزادانه تمامی شهروندان از هر گروه سنی و جنسی و دیگر وجود تعاملات و کنش‌های متقابل اجتماعی در این فضاها (Mean & Tims, 2005). بیشتر فضاهای شهری، معابر و شبکه‌های حرکتی، بلوارهای شهری، مسیرهای عمومی در مناطق مسکونی، تجاری و محله‌ها، میدان‌ها، پارک‌های شهری، فضاهای تفریحی و زمین‌های بازی، بازارهای خیابانی و حوزه‌های خرید، واحدهای همسایگی در مناطق مسکونی، ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی، سینما و ادارات شهری هستند. برای فضاهای مطلوب شهری ویژگی‌های زیادی شمرده شده است؛ از جمله وجود

فعالیت‌های متنوع در آن‌ها، استقرار کاربری‌های گوناگون برای تأمین نیازهای شهروندان، امکان تعاملات و روابط اجتماعی در آن‌ها، این فضاها باید دربرگیرنده معیارهایی همچون خوانایی (درک کاربر از فضا و ویژگی‌های آن)، مقیاس انسانی، امنیت، انسان‌مداری، داشتن تأسیسات و تجهیزات شهری متناسب با عملکرد فضا نیز باشد (پرتوی، ۱۳۹۴).

امنیت اجتماعی یکی از ویژگی‌های مطلوب فضاهای شهری است و بر مجموعه سیاست‌ها و راهکارهایی دلالت دارد که هدف از آن‌ها ایجاد اطمینان خاطر اولیه و نسبی برای افراد در مواجهه با رخدادهای گوناگون است. این رخدادهای برهم‌زننده آرامش در جامعه‌اند. از نظر بوزان، امنیت اجتماعی به حفظ ویژگی‌هایی اشاره می‌کند که افراد خود را به‌مثابه عضو از گروه اجتماعی بیان می‌کنند (بوزان، ۱۳۹۷: ۱۷). جوامع زمانی امنیت اجتماعی دارند که هویت آن‌ها تهدید نشده باشد. منظور تهدیدی است که بقای جامعه را دچار مشکل می‌سازد؛ به‌عبارت‌دیگر، «مای» جامعه تهدید جدی شود. با این نگاه، منظور از امنیت اجتماعی، تداوم پایدار هویت، منافع و منزلت گروه‌های اجتماعی و راهکارهای حل کشمکش‌های اجتماعی، به‌عنوان سه مقوله اصلی در چارچوب فرهنگ هر جامعه است (غرایاق زندی، ۱۳۹۲).

امنیت اجتماعی همچنین ابعاد عینی و ذهنی دارد. بُعد عینی آن ناظر بر نرخ‌های جرم و بزهکاری است و بُعد ذهنی آن ناظر بر پنداشت از امنیت است؛ یعنی شهروندان از جمله زنان تا چه میزان فضاهای شهری را برای خودشان امن می‌پندارند. معمولاً مطلوب است که میان این دو تعادلی باشد. نبود تعادل، به‌ویژه در ادراک منفی از میزان جرائم در شهر، تأثیر مخربی بر تمام حوزه‌های زندگی روزمره خواهد گذاشت (ملکی و همکاران، ۱۳۸۹).

ویژگی‌های شهر امن برای زنان این‌گونه تعریف شده است: ۱. دختران و زنان بدون احساس ترس از حمله، تجاوز و تعرض می‌توانند از فضاهای عمومی برخوردار شوند؛ ۲. شهری که خشونت علیه زنان و دختران در خانه یا خیابان‌های آن انجام نمی‌شود؛ ۳. به زنان و دختران تبعیض روا نمی‌کنند و دستیابی به حقوق اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی برای آنان تضمین می‌شود؛ ۴. دولت تضمین می‌کند که همه مردم، از جمله زنان و دختران، به حقوق انسانی خود دست یابند؛ ۵. دولت و حکومت محلی، برای حفاظت از زنان و دختران و جلوگیری از تنبیه و خشونت علیه آنان اقدام می‌کند (UNIFEM, 2010). از نکات مهم درباره این ویژگی‌ها این است که می‌توان به تأکید هم‌زمان به امنیت منفی (فقدان تهدید و هراس) و امنیت مثبت اشاره کرد (تعلق عاطفی و اجتماعی، توجه به حقوق انسانی و اجتماعی، نبود تبعیض و مشارکت اجتماعی).

پژوهش‌های زیادی امنیت زنان را در فضاهای شهری بررسی کرده است. هندوستان یکی از قانون‌های موردتوجه بوده است. زنان در فضاهای شهر دهلی بیش از همه با رویدادهای تهدیدکننده امنیت مواجه می‌شوند. دهلی در صدر فهرست تمام جرائم علیه زنان شامل مزاحمت، تجاوز و آزار و اذیت است. نبود امنیت اجتماعی زنان در فضاهای شهری یکی از سه مسئله مهم ساکنان این شهر است. یافته‌ها نشان می‌دهد مشکلات زیرساختی در کنار فرهنگ شهر نقش تعیین‌کننده‌ای در به خطر انداختن امنیت زنان داشته است. فرهنگ شهری باعث شده است فضاهای شهر اساساً در تسلط مردان باشد. زنان مانند مردان حق حضور آزاد در شهر را ندارند. زمان، عامل مهم دیگر در تعیین این مسئله است؛ اینکه چه کسی در چه زمان‌هایی می‌تواند و باید در فضای عمومی باشد. زنان در اوقات معینی می‌توانند در فضاهای شهری حضور پیدا کرده و از آن استفاده کنند؛ همچنین حضور زنان در خیابان پس از تاریکی هوا پذیرفته نیست. تجربه ترس برحسب محل زندگی زنان، سیروسفرها و نوع کار و فعالیت آنان نیز متفاوت است و امنیت یا فقدان آن، پیامدهای عینی برای زندگی آنان دارد؛ مثلاً آزار جنسی دختران در حومه‌های شهری، در راه مدرسه و در اتوبوس‌ها، به ترک تحصیل آنان می‌انجامد (Viswanath & Mehrotra, 2007). در کانادا نیز زنان بیش از مردان از خطر وقوع جرم می‌ترسند. وضعیت و کارایی نظام عدالت کیفری، نقش سنتی جنس در کانادا (که موجب اعتمادبه‌نفس و استقلال کمتر در میان زنان به نسبت مردان در جامعه شده است)، تجربه زنان از انواع مزاحمت و اذیت و آزارها، تصور خطرپذیری از بدرفتاری و سوءاستفاده شوهر، اعضای خانواده یا غریبه‌ها و تماس‌های تلفنی آزاردهنده از مهم‌ترین عوامل مرتبط با موضوع ترس از وقوع جرم و احساس ناامنی زنان در کاناداست. همچنین سن، درآمد، قربانی شدن قبلی، تبلیغات رسانه‌ای، تغییرات و ناپایداری در محله‌ها و بی‌نظمی‌های فیزیکی و اجتماعی محل زندگی از جمله فقدان همبستگی محلی، زندگی در کلان‌شهرها (نسبت به حومه)، «نامدنی‌ها»^۱، وندالیزم، حضور دائم افراد مست و ولگرد، تجمع‌های غیرقانونی مردان جوان و خرابی‌های محیط ساخت‌وساز، هریک به‌تنهایی و به‌ویژه در ترکیب و تعامل با از دیگر عوامل مرتبط با جرم و احساس ناامنی در کانادا بوده است (Viswanath & Mehrotra, 2007).

در شهرهای آمریکای لاتین به‌ویژه در آرژانتین نیز مسئله امنیت زنان در فضاهای عمومی شهر یکی از نگرانی‌های عمده است. یافته‌های یک پژوهش نشان می‌دهد ۸۱ درصد از قربانیان جرائم نظیر تجاوز، جرائم حیثیتی و هتک حرمت و جرائم علیه حیثیت جنسی زنان بوده‌اند.

بارزترین مظاهر خشونت جنس محور، مربوط به استفاده از فضای عمومی و دسترسی و استفاده از سرویس های خدماتی به ویژه سرویس های بهداشتی، پزشکی، آموزشی، حمل و نقل و تأمین اجتماعی است. یافته ها نشان می دهد در محلات فقیرنشین یا حلی آبادها خشونت علیه زنان در فضای عمومی بیشتر است. دلیل این مسئله نور ناکافی خیابان ها، فقدان حضور پلیس یا بُعد مسافتی است که مردم در مسیر اراضی خالی یا محوطه های باز طی می کنند و همین طور به سبب فروپاشی اصول مربوط شیوه های همزیستی مسالمت آمیز و از بین رفتن روابط همسایگی است. ترس زنان از رفت و آمد آزاد در شهر، پیامدهای مختلف برای زنان داشته است: «بیگانگی»^۱ از حضور در فضاها، ناامیدی در استفاده از شهر، کاهش اعتماد به نفس و احساس ناامنی فزاینده، تشدید وابستگی ها، تضعیف حقوق شهروندی و انتقال ترس ها به بسترهای خانوادگی، محلی و اجتماعی از مهم ترین آن هاست. خشونت علیه زنان متأثر از شرایط عینی و ذهنی بوده است، این ترس متصل به برساخت های تاریخی و فرهنگی «زن بودن» است؛ به ویژه به شکل نامحسوس، در ایجاد جریانی دوری حول مشکل فضای عمومی نقش داشته و ذهنیات زنانه ای را تولید و بازتولید می کند (UNIFEM, 2010).

امنیت اجتماعی زنان در فضاها شهری مورد توجه بسیاری از پژوهش های داخلی نیز بوده است؛ حتی در پژوهش هایی که به بررسی امنیت اجتماعی به معنی عام پرداخته است، جنسیت یکی از عوامل پررنگ است. یافته ها نشان می دهد چهار رویکرد در این پژوهش ها مدنظر بوده است که بر اساس آن ها به توضیح امنیت در فضاها عمومی پرداخته اند. این رویکردها عبارت اند از: ۱. رویکرد کالبدی (مانند سکونت گاه های غیررسمی یا حاشیه شهرها)؛ ۲. رویکرد اقتصادی (بیکاری، احساس محرومیت، دسترسی نداشتن به خدمات اجتماعی)؛ ۳. رویکرد اجتماعی - روانی (مشارکت های مردمی، سرمایه اجتماعی، گروه های سنی) ۴. رویکرد انتظامی (کنترل دولت بر امنیت یا طرح امنیت اجتماعی ناجا) (آزاد و کلانتری، ۱۳۹۳).

یافته های پژوهش نشان می دهد عواملی همچون سرمایه اجتماعی پایین، بی سازمانی و طرد اجتماعی و مشارکت ندادن زنان در برنامه های شهری، درآمد و ویژگی های قومیت، ترس از جرم و آزار جنسی، سن، رفتارهای نابهنجار مردان، نگرش منفی نسبت به عملکرد و توانایی نیروی پلیس، جنسیت، محل سکونت و عوامل محیطی فضایی (همچون تلقی از بی نظمی های مکانی و بی قوارگی فضاها شهری و نامناسب بودن مبلمان شهری)، نوع فعالیت های روزمره، رفتار و

پوشش دختران و زنان، ناکارآمدی یا نبود قوانین حمایتی و اجتماعی، نداشتن مهارت‌های دفاع از خود، وجود مکان‌های جرم‌خیز و مخفی نظیر زیرگذرها و معابر تاریک، تردد بانوان و کودکان در ساعات پایانی شب، تردد با ماشین‌های مسافرکش شخصی، به همراه داشتن لوازم قیمتی، اشتغال زنان و دختران در بخش‌های خصوصی، تجربه پیشین بزه‌دیدگی، تسلط مردان بر فضا، جامعه‌پذیری جنسیتی زنان و طرد فضایی و اجتماعی زنان در شهرها و بازتولید اجتماعی، ترس از طریق هشدارها و القائات خانواده، به‌ویژه افراد مذکر خانواده، همچنین نهادهای آموزشی - پرورشی و رسانه‌ها از عوامل مهم به خطر افتادن امنیت زنان در فضاهای عمومی شهر است. بر اساس این پژوهش‌ها می‌توان گفت زنان ناامنی و ترس از جرم را در فضاهای شهری زیاد تجربه می‌کنند. آنان اغلب نگران آزار جنسی و نابهنجاری‌ها و سوء رفتارهای مدنی هستند که عموماً بر ترس از سرقت، خفه شدن، ترس از غریبه‌ها، ترس از اماکن و خیابان‌های تاریک و سایر شرایط تهدیدگر امنیت زنان نیز تأثیرگذار است. زنان همچنین کمترین توانمندی و امکان را برای مقابله مؤثر و فعال با عوامل ناامنی خود دارند (اباذری و دیگران، ۱۳۷۸؛ اکبری و پاک بنیان، ۱۳۹۱؛ جمالی و شایگان، ۱۳۹۰؛ شاه‌حسینی، ۱۳۸۴؛ کامران و عبادتی نظرلو، ۱۳۸۸؛ قاضی نژاد و دیگران، ۱۳۹۴؛ علیخواه و نجیبی ربیعی، ۱۳۸۴؛ میر حسینی، ۱۳۸۷؛ نیازی و دیگران، ۱۳۹۰).

روش‌شناسی پژوهش

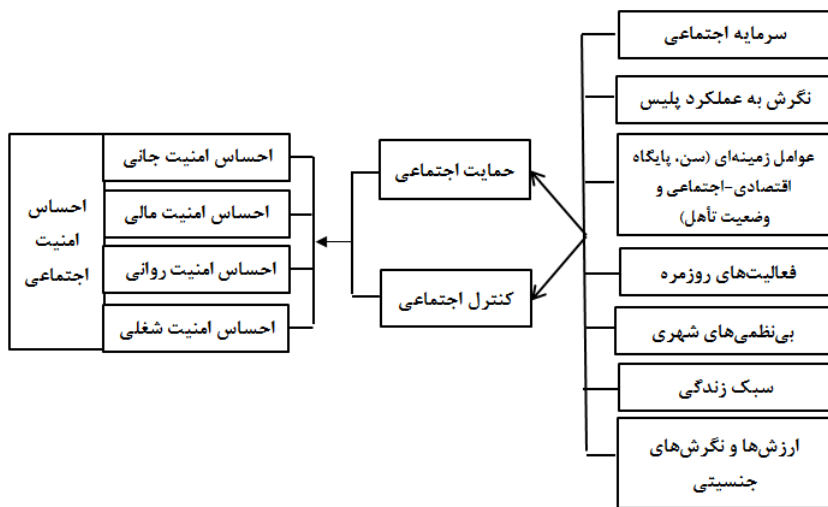
این پژوهش از نظر هدف، بنیادی است. روش پژوهش از نوع مروری یا کتابخانه‌ای و دلفی است. با استفاده از روش مروری مطالعات این حوزه مرور و مدل ابتدایی به همراه شاخص‌سازی مؤلفه‌ها به دست آمد. سپس با روش دلفی مدل و شاخص‌های آن در سه شکل در بین متخصصان این حوزه بررسی شد. نتیجه نهایی ارائه مدلی عمومی و شاخص‌سازی آن به‌منظور سنجش عوامل اثرگذار بر امنیت زنان در فضاهای عمومی شهر است. جامعه آماری این پژوهش شامل دو گروه هشت نفره نخبگان دانشگاهی (اساتید و پژوهشگران متخصص در حوزه امنیت اجتماعی) و چهار نفر متخصص علوم انتظامی و امنیت (مدیران و معاونت‌های اجتماعی سازمان پلیس و معاونت اجتماعی دادگستری) است. اعتباریابی مدل و شاخص با کمک این خبرگان تأیید شد.

یافته‌ها

یافته‌های این مقاله ناظر بر مدل‌سازی امنیت اجتماعی زنان و سپس شاخص‌سازی این مدل است. در همین زمینه با استفاده از ادبیات حوزه امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی شهر

ابتدا مدل این حوزه استخراج و شاخص‌سازی شد. به‌منظور ارائه مدلی جامع و نظام‌مند از امنیت اجتماعی زنان و شاخص‌سازی اعتباریابی شده، مدل در سه راند میان خبرگان این حوزه به‌بوته بررسی و آزمون گذاشته شد. نتیجه نهایی مدل زیر است که در آن عوامل علی و سازوکارها و نتایج حاصل از آن دیده شده است. سازوکارها علل را به نتیجه پیوند می‌زنند. لازم به ذکر است به دلیل اینکه شکل مدل با ترسیم خطوط زیاد میان متغیرها به هم می‌ریخت، از تصریح اینکه کدام متغیر به حمایت اجتماعی و کدام به کنترل اجتماعی منجر می‌شد، اجتناب شده است.

بر اساس ادبیات نظری و نظرات خبرگان می‌توان گفت همه متغیرها به کنترل اجتماعی منجر می‌شود. در اینجا معنای عام کنترل اجتماعی مدنظر است که عبارت است از سازوکاری اجتماعی برای تنظیم نظام (Le Blanc, 2006). همچنین بر اساس ادبیات این حوزه سرمایه اجتماعی، نگرش به عملکرد پلیس، ارزش‌ها و نگرش‌های جنسیتی و چند عامل زمینه‌ای منجر به حمایت اجتماعی می‌شوند.



شکل شماره ۱. مدل احصا شده از متخصصان حوزه امنیت اجتماعی بر مبنای روش دلفی

در این بخش به‌مرور بنیان‌های نظری و نظرات اعضای پنل درباره مدل بالا پرداخته می‌شود. یکی از عوامل اثرگذار بر احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی شهر سرمایه اجتماعی آنان است. سرمایه اجتماعی در سطوح مختلف از جمله در سطح فردی و اجتماع یا محله حضور دارد. پاتنام گفته است «سرمایه اجتماعی، مشخصات زندگی اجتماعی است - شبکه‌ها، هنجارها

و اعتماد که سبب می‌شوند مشارکت‌کنندگان در فعالیت‌های مشترک کارآمدتری برای پیگیری اهداف مشترک خود وارد شوند» (Putnam, 1996: 56). سرمایه اجتماعی از دو جزء تشکیل شده است. نخست جزء «اجتماعی» که نشان می‌دهد چیزی است که با روابط میان افراد ارتباط دارد و «سرمایه» که نوعی از دارایی مردمی است که آن را در تملک دارند. باید افراد، سازمان‌ها و جوامع دارای این توانایی قادر باشند کاری انجام دهند که اگر مقادیر کافی آن را نداشتند، قادر به انجام آن نبودند. در سطح کلان نیز سرمایه اجتماعی توسط چند چیز مشخص می‌شود: ۱. میزان روابط اجتماعی و شبکه‌هایی که مردم به‌طور میانگین دارا هستند؛ ۲. میزانی که مردم فکر می‌کنند می‌توانند به آن روابط اعتماد داشته باشند (روث‌ستاین، ۱۳۹۳: ۲۵-۱۲۳). کلمن سه کارکرد سرمایه اجتماعی را در مجموعه‌ای از شرایط و زمینه‌ها با قابلیت‌های مختلف از هم متمایز می‌کند: الف. یک منبع کنترل اجتماعی؛ ب. یکی از منابع حفظ حمایت خانوادگی؛ ج. منبعی برای کسب فواید و مزایایی خارج از شبکه‌های خانوادگی (غفاری ۱۳۹۰).

در سطح فردی، هرچقدر گزینه‌های رابطه‌ای فرد بیشتر باشد و این روابط همراه با اعتماد باشند، در محیط‌های شهری مختلف همچون محل کار و فضاهای عمومی بیشتر می‌تواند از دیگران طلب حمایت کند. در سطح محله یکی از ویژگی‌های محله‌های بی‌سازمان فروپاشی روابط اجتماعی آنان است. طبق نظریه بی‌سازمانی اجتماعی سطح سرمایه اجتماعی در محله می‌تواند به جرم پیوند بخورد. محله‌هایی که بی‌سازمان هستند، سطوح بالایی از تحرک مسکونی، اختلال در خانواده، ناهمگنی قومی و فقر را دارند (Shaw & McKay, 1942). این عامل‌ها به نهادهای اجتماعی و افراد در اجتماعاتی که به لحاظ اجتماعی بی‌سازمان هستند اجازه نمی‌دهد که رفتار افراد را در محله کنترل کنند؛ زیرا ساکنان از نهادها و سازمان‌های کنترل اجتماعی کنار می‌کشند. ساکنانی که در محلات بی‌سازمان زندگی می‌کنند، علیه رفتار مشکوک اقدامی نمی‌کنند؛ زیرا جزو نگرانی‌ها و دغدغه‌های آنان نیست، از این‌رو کمتر امکان دارد زنان در این محله‌ها که سرمایه اجتماعی آن‌ها تضعیف شده است، کنترل و حمایت اجتماعی را دریافت کنند. ولد و همکارانش توضیح می‌دهند «به دلیل سرمایه اجتماعی اندک، محلات قادر نیستند که کنترل مؤثر را بر فضاهای عمومی و مناطق مشترک همچون پارک‌ها و خیابان‌ها اعمال کنند. این مناطق نسبت به اعمال جنایی‌ها شده هستند» (Vold, 2002: 130). همچنین محله‌هایی که سرمایه اجتماعی خود را از دست داده‌اند، کمتر احتمال دارد به توافق هنجاری برسند و بعید به نظر می‌رسد که بتوانند کنترل اجتماعی غیررسمی را اعمال کنند (Bursik, 1999). دیگران

استدلال کرده‌اند که فقدان سرمایه اجتماعی یکی از ویژگی‌های اصلی اجتماعات بی‌سازمان است (کلمن، ۱۳۸۹). دوستان و خانواده‌ها در مناطق محروم ممکن است سطوح سرمایه اجتماعی و حمایت اجتماعی لازم را برای یاری‌رساندن به دیگران در زمان مناسب نداشته باشند. به‌لحاظ سرمایه اجتماعی، خانواده‌ها در محله‌های محروم، حمایت مادی اندکی را در مواقع لازم فراهم کنند (Triplett & et al, 2003). نگرش به عملکرد پلیس به‌نوعی سرمایه اجتماعی پلیس است. سرمایه اجتماعی می‌تواند در رفتار پلیس نیز مؤثر باشد و سبب احترام گذاشتن مردم به آنان شود؛ چراکه وقتی شبکه‌های روابط اجتماعی قوی و سطح هنجارهای اجتماعی بالا باشد، پلیس و سایر نهادهای حفظ قانون کارآمدتر عمل می‌کنند (غفاری، ۱۳۹۰). اعتماد افراد جامعه به پلیس همکاری مردم را جلب خواهد کرد. تلاش برای ایجاد امنیت یکی طرق جلب اعتماد شهروندان است و موجب نزدیکی مردم به پلیس و خواهد شد. درحالی‌که «پلیس کنترلی» پلیسی است که مردم نگران آن هستند (رحیمی، خورشید وند، ۱۳۸۸). همکاری و تعامل پلیس با شهروندان موجب حضور بیشتر پلیس در بین مردم می‌شود. از این طریق نوعی امنیت و فراغ خاطر در شهروندان به وجود می‌آید. تأثیر مستقیم حضور پلیس در محل زندگی در کاهش درک خطر احتمالی از جرائم و احساس ناامنی مؤثر است و از طریق توانایی جمعی و رضایت خاطر بالا از محل زندگی به میزان متعادل و متوسطی می‌رسد. این امر همکاری‌های آینده بین ساکنان و اجرای قانون در مبارزه با جرائم را نوید می‌دهد. یکی از تأثیرات مثبت سطوح بالای قابلیت جمعی و رضایت خاطر کلی، کاهش نگرانی شهروندان در قبال جرم و جنایت و احتمال قربانی شدن آن‌هاست.

اگر زنان ادراک مناسبی از پلیس داشته باشند، پلیس را یاری خواهند کرد و از آن‌ها کمک خواهند گرفت. از سوی دیگر اگر پلیس و سایر نهادهای اجرای قانون، امنیت شهروندان را تأمین نکنند، به او بدبین خواهند شد. بدبینی قانونی به جهت‌گیری فرهنگی‌ای اشاره می‌کند که قانون و نمایندگان اجرای آن، مانند پلیس و دادگاه‌ها به‌گونه‌ای دیده می‌شوند که برای حفظ امنیت اجتماعی مؤثر و مهم در نظر گرفته نمی‌شوند. یکی از منابع بدبینی به قانون ناشی از رفتار پلیس، به‌ویژه رفتار آزاردهنده و کنترل جرم ناکافی و بی‌اثر است. بدبینی از طریق تعامل اجتماعی تبدیل به فرهنگ می‌شود؛ یعنی ادراک افراد مبتنی بر تجربه از طریق فرایندی جمعی تحکیم می‌شود که به‌موجب آن شهروندان معانی مشترکی را از رفتار و کارایی قانون برای تضمین امنیتشان دریافت می‌کنند. نتیجه بدبینی قانونی محدودیت است؛ به این‌صورت بدبینی موجب

می‌شود انتخاب شهروندان برای حل شکایت‌ها و محافظت از خود محدود شود که خشونت و ناامنی بیشتر را در پی خواهد داشت (نقل از اجتهادی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۴ و ۱۵).

فعالیت‌های روزمره زنان در فضاهای عمومی شهر نیز تأثیر بسزایی بر احساس امنیت اجتماعی آنان دارد. بر اساس رویکرد فعالیت‌های روزمره احتمال اینکه جرم اتفاق بیفتد به وجود یک «مجرم برانگیخته»^۱، «قربانی آسیب‌پذیر»^۲ و «فقدان محافظ توانا»^۳ وابسته است (Cohen & Felson, 1979). ویکستروم بیشتر رویکرد فعالیت‌های روزمره را بسط می‌دهد. از نظر او نوع فعالیت‌هایی که در شهر دنبال می‌شوند و ترکیب اجتماعی افراد در مکان و زمان با هر کدام از موارد زیر رابطه دارد:

الف. در دسترس بودن اهداف جنایی مناسب، حضور مجرمان برانگیخته و حضور کنترل اجتماعی مستقیم (محافظان توانا)؛

ب. وقوع مواجهه‌های جدلی که باعث تحریک «اصطکاک»^۴ در نظم محلی و عمومی می‌شود (Wikström, 1990). در همین «نظریه الگوی جرم»^۵ به این می‌پردازد که چگونه مجرمان با فرصت‌های جرم به‌عنوان بخشی از فعالیت‌های روزمره مواجه می‌شوند (Brantingham & Brantingham, 2008). در نظریه الگوی جرم به محل‌های کلیدی «گره‌ها»^۶ گفته می‌شود و به راه‌های منظمی که این گره‌ها را به هم وصل می‌کند «مسیرها»^۷ گفته می‌شود. نظریه الگوی جرم از اصطلاح «فضاهای آگاهی»^۸ برای اشاره به مناطق اطراف گره‌ها و مسیرها استفاده می‌کند که افراد در نتیجه فعالیت‌های روزمره با آن‌ها آشنا می‌شوند. چهار نوع محل وجود دارد که احتمال وقوع جرم در آن‌ها بیشتر است: محل نخست «محل تولیدکننده جرم»^۹ است؛ به محل‌هایی اشاره می‌کند که تعداد زیادی از مردم را برای اهداف مشروع جذب می‌کنند. در این محل‌ها تعداد زیادی از قربانیان بالقوه برای مجرمان و همچنین زمینه تنش فراهم می‌شود. محل دوم «محل جذب‌کننده جرم»^{۱۰} است؛ محلی است که مجرمان

1 Motivated offender

2 A vulnerable victim

3 Capable guardian

4 friction

5 Crime pattern theory

6 nodes

7 paths

8 awareness spaces

9 crime generator

10 crime attractor

بالقوه را برای ارتکاب جرم به طرف خود جذب می‌کند. سوم، «محل توانگر جرم»^۱ است؛ محلی است که تنظیم اندکی برای رفتار وجود دارد. محل آخر به‌مثابه «لبه»^۲ شناخته می‌شود. لبه مرزی بین محله‌ها و نواحی است که افراد با مکان‌های جانبی، گره‌ها یا مسیرها مواجه می‌شوند. لبه‌ها محل‌های هستند که می‌توانند منجر به تضادهای سرزمینی بین افرادی شوند که در دو طرف لبه هستند (Sidebottom & et al, 2016).

همچنین می‌توان استدلال کرد بخشی از فعالیت‌های روزمره زنان تابعی از ویژگی‌های زمینه‌ای آنان از جمله سن و پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان است. فعالیت‌های زنان جوان‌تر و محروم‌تر به نحوی است که اکثر آنان را در معرض ناامنی قرار می‌دهد؛ برای مثال زنان جوان‌تر بیشتر تمایل دارند در فضاهای عمومی شهر حضور یابند و احتمال زیادتری وجود دارد زنان محروم‌تر به دلیل حضور در برخی از مشاغل، رفت‌وآمدهای طولانی‌تر به محل کار و استفاده از وسایل حمل‌ونقل عمومی در معرض قربانی شدن قرار بگیرند.

فضاهای شهری نیز می‌توانند موجب به خطر افتادن امنیت اجتماعی زنان شوند. نظریه‌های مختلفی وجود دارند که به بررسی ویژگی‌های محیطی بر جرم و ناامنی اجتماعی پرداخته‌اند. در این زمینه «نیومان» بر فضاهای قابل دفاع تأکید دارد. از نظر او فضاهایی به مشکل برمی‌خورند که «هیچ حسی ناشی از داشتن هویت مشخص را به انسان القا نمی‌کنند. چنین فضاهای بی‌نام‌ونشان‌ی حتی سازگاری و هماهنگی ساکنان محله را نیز در تعریف محدوده رفتار مناسب و پذیرفته‌شده غیرممکن می‌سازد. در این‌گونه فضاها، احساس مالکیت یا اعمال آن و همچنین تشخیص ساکنان از افراد مزاحم امری غیرممکن است» (Newman, 1996: 11-12). از نظر او عواملی همچون قلمرو فضایی مناسب، احساس مالکیت و تعلق خاطر به فضا، امکان وجود نظارت طبیعی از داخل ساختمان به فضای بیرونی و بهبود شرایط فیزیکی و کالبدی مناطق مسکونی به نحو مثبت در ایجاد احساس امنیت اثرگذار است (Newman, 1972). به همین ترتیب نظریه پنجره‌های شکسته بر اثر «بی‌نظمی‌های»^۳ شهری در به خطر افتادن امنیت و ترس از جرم تأکید می‌کند. بی‌نظمی نشانه‌ای است از اینکه هیچ‌کس مراقب محله نیست و می‌تواند منجر به ترس از جرم، عقب‌نشینی از فضاهای عمومی، درهم‌شکسته شدن کنترل‌های اجتماعی و جرائم جدی‌تر شود. اگر به بی‌نظمی رسیدگی نشود می‌تواند منجر به ترس از جرم شود. افزایش ترس باعث

1 crime enabler

2 edge

3 disorder

می‌شود شهروندان از فضاهای عمومی استفاده نکنند و از اتخاذ اقدامات محافظتی مختلف صرف‌نظر کنند؛ بنابراین کنترل اجتماعی غیررسمی کاهش می‌یابد که ساکنان اجتماع، صاحبان کسب‌وکار و سایر محافظان محله اعمال می‌کنند. فروپاشی کنترل‌های اجتماعی در ترکیب با بی‌نظمی به‌نوبه خود زمینه مناسبی را برای جرائم جدی فراهم می‌آورد (Wilson & Kelling, 1982). «پنجره‌های شکسته فرض می‌کند بی‌نظمی به‌طور غیرمستقیم از طریق تضعیف کنترل‌های اجتماع و محله منجر به جرم می‌شود» (سوزا و کلینگ، ۲۰۰۶؛ نقل از اجتهادی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۹).

نوع سبک زندگی زنان می‌تواند در امنیت آنان نیز اثرگذار باشد. بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده است کسانی که سبک زندگی‌شان سالم‌تر است، رفتارهای پرخطر کمتری دارند. سبک زندگی مجموعه‌ای از عملکردها، نگرش‌ها، رفتارها، بینش‌ها، سلیقه‌ها، انتخاب‌ها و فعالیت‌های یک فرد را دربر می‌گیرد. از نظر کاکرهام «سبک زندگی الگوهای جمعی از رفتارهای سالم مبتنی بر انتخاب‌های مردم و مطابق با موقعیت زندگی آن‌هاست». فعالیت‌های پرخطر یا سالم می‌توانند موقعیت زندگی افراد را تضعیف یا تقویت کنند (Cockerham, 1997: 330). باید در نظر داشت که سبک زندگی تنها جلوه‌های عینی رفتار مثل الگوی مصرف و شیوه گذران اوقات فراغت زندگی نیست؛ بلکه باورها، نگرش‌ها، جهان‌بینی و نوع نگاه افراد به هستی را در برمی‌گیرد (فاضل قانع، ۱۳۹۱: ۵۳). به عقیده اعضای پنل می‌توان سبک زندگی را شامل دو بعد سبک زندگی سالم و سبک زندگی پرخطر در نظر گرفت. آن چیزی که می‌تواند سبک زندگی زنان را در محیط‌های شهری به خطر بیندازد، سبک‌های زندگی پرخطر است. تمایل به حضور در مکان‌های شهری پرخطر و شلوغ، پوشیدن لباس خارج از عرف جامعه و عرف نسلی، تمایل به رفتارهای هیجانی و پرخطر همچون مصرف مشروبات و سیگار، رانندگی پرخطر، گذراندن بخش زیادی از زندگی خارج از منزل و مانند این‌ها از مؤلفه‌های این سبک هستند. در مقابل داشتن سبک زندگی سالم همچون نداشتن رفتارهای پرخطر، استفاده از وسایل حمل‌ونقل امن، حضور در مکان‌هایی که احتمال آزار کمتر است، می‌تواند منجر به تقویت احساس امنیت اجتماعی شود. البته نظریه‌پردازان سبک زندگی همچون کاکرهام برای سبک زندگی ابعاد و ساختار قائل هستند و آن را وابسته به طبقه اجتماعی، جنسیت و سایر تعیین‌کننده‌های اجتماعی می‌دانند (Cockerham, 1997).

به عقیده اعضای پنل ارزش‌ها و نگرش‌های جنسیتی در سطح خانواده و نیز جامعه می‌تواند سهم تعیین‌کننده‌ای در احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی داشته باشد. از این رو احساس امنیت زنان تنها متأثر از ویژگی‌های محیط شهری نیست؛ بلکه متأثر از سایر عوامل هم هست که در فضاهای شهری تجلی عینی می‌یابد. نگرش‌های تبعیض‌آمیز از جمله محدود کردن زنان به حوزه خصوصی و اینکه زنان به نقش‌هایی همچون خانه‌داری، همسر داری و بچه‌داری محدود شوند، از نگرش‌هایی هستند که می‌تواند امنیت زنان را فضاهای شهری به خطر بیندازد. این نگرش‌ها نوعی از خشونت فرهنگی علیه آنان هستند. همان‌گونه که گفته شد در برخی از کلان‌شهرها همچون دهلی بسیاری از فضاهای عمومی شهر در تسخیر مردان هستند (Viswanath & Mehrotra, 2007). این نگرش‌ها همچنین با فضا و زمان رابطه دارند. به این معنی که زنان حق ندارد در برخی از زمان‌ها یا بعضی از فضاهای شهری حضور یابند؛ برای مثال در شب یا در ورزشگاه‌ها. اگر این نوع نگرش‌ها در فضای جامعه حکم‌فرما باشند، زمانی که زنان در فضاهای عمومی حضور می‌یابند، هم به لحاظ واقعی و هم ادراکی بیشتر احساس ناامنی اجتماعی می‌کنند؛ چراکه حمایت و کنترل اجتماعی کمتری را دریافت می‌کنند. پلیس نیز ممکن است آنان را برای حضور در این فضاها سرزنش و مجازات کند و شهروندان آنان را حمایت نکنند.

با توجه به پژوهش‌های نظری و بررسی آرای اعضای کارگروه چهار بعد برای امنیت اجتماعی زنان در فضاهای شهری در نظر گرفته شده است. بعد اول امنیت جانی است. مطالعات نشان داده است زنان طیف مختلفی از خشونت‌ها از تهدید، تعرض و تجاوز تا قتل را تجربه می‌کنند. بسیاری از اشکال خاص این خشونت‌ها صبغه جنسیتی دارد.

بعد دوم امنیت، امنیت مالی است. گفته می‌شود جرائم مالی مبتنی بر کسب سود یا ضرر به مال غیر بدون توسل به زور است (Siegel, 2015). تعدادی از جرائم این حوزه که امنیت زنان را به خطر می‌اندازد، ماهیت جنسیتی دارد؛ همچون سرقت طلا و جواهرات آنان. امنیت روانی بیشتر ناظر به ادراک از امنیت است؛ اینکه من به‌عنوان یک زن تا چه میزان در محیط‌های شهری احساس آرامش و امنیت می‌کنم. کلیشه‌های جنسیتی همچون «زنان قادر به رانندگی نیستند»، از نمونه‌هایی است که امنیت روانی آنان را در فضاهای عمومی به خطر می‌اندازد.

بعد آخر امنیت زنان در فضاهای عمومی ناظر بر امنیت شغلی است. بسیاری از زنان همانند مردان وارد بازار کار شده‌اند؛ اما پرسشی که باید به آن پاسخ داد این است که آیا آنان به یک اندازه در محل کار که بخش درخور توجهی از آن در محیط‌های شهری است، احساس امنیت

می‌کنند. آیا یک راننده یا فروشنده زن به اندازه یک مرد احساس امنیت می‌کند. تحقیقات در این زمینه نیز نشان داده است زنان در محیط‌های شغلی کمتر احساس امنیت می‌کنند. به آنان انواع پیشنهاد‌های غیرمعمول داده می‌شود. گاهی مورد تعرض قرار می‌گیرند و حرف‌های زشت و آزاردهنده می‌شنوند. در برخی از مواقع در محیط کار از سوی کارفرما به آنان پیشنهاد‌های غیرمعارف داده می‌شود؛ در صورتی که به رابطه تن در دهند، ارتقا می‌گیرند و اگر تن ندهند، اخراج یا تهدید به آن می‌شوند (Brown & Walklate, 2011).

شاخص‌سازی امنیت زنان در فضاهای عمومی شهر

از مرور پژوهش‌های حوزه امنیت اجتماعی زنان و برشمردن معرف‌های این حوزه همچنین بررسی نظرات اعضای پنل از ۱۳۳ معرف به منظور عملیاتی کردن مدل استفاده شده است. معرف‌های ارائه شده دارای اعتبار و روایی است. به این معنی که پس از سه راند بررسی مدل و شاخص‌های آن اعضای پانل مدل و معرف‌های تهیه شده برای شاخص‌ها را با نمره بالایی (۴,۳۶) تأیید کردند. همچنین به منظور پایایی شاخص‌سازی ضریب آلفای کرونباخ آن محاسبه شد. میزان این ضریب برای هر یک از شاخص‌ها به ترتیب برابر است با سرمایه اجتماعی ۰,۹۳، نگرش به عملکرد پلیس، ۰,۷۵، فعالیت‌های روزمره ۰,۷۳، بی‌نظمی‌های شهری ۰,۸۷، سبک زندگی ۰,۶۹، ارزش‌ها و نگرش‌های جنسیتی ۰,۷۵، حمایت اجتماعی ۰,۹۳، کنترل اجتماعی ۰,۸۶ و شاخص احساس امنیت اجتماعی ۰,۸۴ صدم درصد. از این رو این شاخص‌سازی به محققان کمک می‌کند تا هر زمان که خواستند این مدل را در جامعه مورد مطالعه اجرا کنند و به بررسی آن بپردازند. در جدول زیر معرف‌های هر کدام از شاخص‌ها آمده است.

جدول شماره ۱. شاخص‌سازی مدل امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی شهر

ردیف	عامل	ابعاد	معرف‌ها	ردیف	عامل	ابعاد	معرف‌ها
۱	سرمایه اجتماعی	روابط اجتماعی	روابط با اعضای خانواده	۱	روابط اجتماعی	سرمایه اجتماعی	در خانواده ما بین دختر و پسر فرق قائل می‌شوند.
۲			روابط با دوستان	۲			ارزش پسر در خانواده ما بیش از دختران است.
۳			روابط با آشنایان	۳			در خانواده ما به تحصیل دختران بیش از پسران اهمیت می‌دهند.

ردیف	عامل	ابعاد	معرف‌ها	ردیف	عامل	ابعاد	معرف‌ها
۴			روابط با هم‌محله‌ای‌ها	۴			در خانوادهٔ ما همیشه چارچوب‌های مشخص و معین برای پوشش دختران وجود دارد و ما مجبور به رعایت آن هستیم.
۵			روابط با همکاران	۵			در خانوادهٔ ما اگر دختران و زنان بخواهند به‌تنهایی بیرون بروند، با محدودیت مواجه هستند.
۶			حضور در سازمان‌های مردم‌نهاد و انجمنی ^۱	۶			می‌توانم شب‌ها تا پاسی از شب بدون محدودیت و سرزنش از سوی خانواده بیرون باشم.
۷			کمک به هم‌وطنان به هنگام رویدادهای تلخ همچون سیل و زلزله	۷			خانواده‌ام بیشتر بر این باور هستند که زنان باید به کارهای داخل خانه بپردازند.
۸			کمک به نهادهای حمایتی همچون کمیته امداد و بهزیستی	۸			زمانی که در شهر قدم می‌زنم، فکر می‌کنم برخی از مردم با خوششان فکر می‌کنند که چرا من تنها هستم.
۹			مشارکت در فعالیت‌های مذهبی	۹			می‌توانم بدون اینکه نگران قضاوت جامعه باشم، بیرون بروم و قدم بزنم
۱۰		دوره	اعتماد به اعضای خانواده	۱۰			می‌توانم بدون اینکه نگران رفتار نامناسب مردم باشم، بیرون بروم و قدم بزنم.
۱۱			اعتماد به دوستان	۱۱			جامعهٔ ما همان‌طور که در فضاهای عمومی برای مردان امکانات و تسهیلات فراهم کرده است، برای زنان نیز فراهم کرده است.

۱. سازمان‌های مردم‌نهاد و انجمن‌های همچون انجمن اسلامی، انجمن‌های ادبی، سازمان‌های خیریه‌ای، انجمن‌های ورزشی و تفریحی، هیئت‌های مذهبی و حزب و تشکل‌های سیاسی.

ردیف	عامل	ابعاد	معرفها	ردیف	عامل	ابعاد	معرفها
۱۲			اعتماد به هم‌محله‌ای‌ها	۱۲			بدون اینکه نگران قضاوت مردم باشم، می‌توانم از امکانات ورزشی داخل پارک‌ها استفاده کنم.
۱۳			اعتماد به ساکنان شهر	۱۳			جامعه ما بر این باور است که زنان نباید زیاد در محیط‌های شهری حضور داشته باشند.
۱۴			اعتماد به همکاران	۱۴			اگر روزی خواستم بیرون کار کنم، بدون اینکه نگران قضاوت جامعه باشم، به دنبال آن می‌روم.
۱۵			اعتماد به نیروی انتظامی و پلیس	۱	کنترل اجتماعی رسمی		حضور گشت پلیس باعث تقویت امنیت در فضاهای عمومی می‌شود.
۱۶			اعتماد به دولت	۲			نظارت پلیس بر فضاهای عمومی در تقویت امنیت مؤثر است.
۱۷			اعتماد به شهرداری	۳			آموزش‌های پلیس + ۱۰ به شهروندان نقش مهمی در امنیت فضاهای عمومی دارد.
۱۸			اعتماد به قوه قضائیه و رویه‌های آن	۴			حضور نیروهای بسیج در سطح شهر باعث نظارت بر فضاهای عمومی می‌شود.
۱۹			اعتماد به حاکمیت	۵			دوربین‌های مدار بسته‌ای که در برخی از نقاط شهر وجود دارد، باعث بهبود امنیت می‌شود.
۱	نی‌نظمی	رسمی	مکان‌هایی که زباله‌های زیادی ریخته شده یا انباشته شده است.	۶			افزایش تعداد پاسگاه‌ها در سطح شهر می‌تواند منجر به امنیت بیشتر شود.
۲				فضاهایی که در آن ساختمان‌ها فرسوده و قدیمی است.		۷	

معرف‌ها	ابعاد	عامل	ردیف	معرف‌ها	ابعاد	عامل	ردیف
با دیدن پلیس در سطح شهر احساس آرامش بیشتری می‌کنم.	تجزیه و تحلیل		۸	فضاهایی که دیوارنوشته‌ها (گرافیتی‌ها) وجود دارد.			۳
اگر در مغازه‌ای فروشنده یا هرکس دیگری به‌نوعی به من تعرض کرد، می‌توانم به پلیس مراجعه کنم و از او کمک بگیرم.			۹	مکان‌ها و محل‌های کم‌نور			۴
اگر در سطح شهر فرد یا افرادی دختران و زنان را اذیت کنند، بقیه مردم علیه آنان اعتراض می‌کنند.			۱۰	پل‌های عابرپیاده بدون نظارت			۵
اگر در سطح شهر فرد یا افرادی به دختران و زنان حرف‌های نامناسب بزنند، بقیه مردم به‌نوعی علیه آنان اعتراض می‌کنند.			۱۱	مکان‌هایی که در آن ساختمان‌های رهاشده وجود دارد.			۶
وقتی که در شب بیرون از منزل می‌روم، بیشتر احساس ناامنی می‌کنم.			۱۲	جاهایی که سرنگ‌های پرت‌شده معتادان است.			۷
حضور مردم در فضاهای عمومی باعث تقویت نظارت بر این فضاها می‌شود.			۱۳	محل‌هایی که در آن‌ها کوچه‌ها و خیابان‌های تنگ و باریک وجود دارد.			۸
اگر جوانان در سر کوچه‌ها، پیاده‌روها یا چهارراه‌ها تجمع و سروصدا کنند، مردم آنان را متفرق می‌کنند.			۱۴	مکان‌های خلوت و کم‌تردد			۹
در شهر ما کمتر خیابان‌ها و کوچه‌های خلوت وجود دارد.			۱۵	کوچه‌های تنگ و باریک			۱۰
اگر در مغازه‌ای فروشنده یا هرکس دیگری به‌نوعی به من تعرض کرد، می‌توانم از سایر			۱۶	مکان‌های سرپوشیده و قدیمی			۱۱

ردیف	عامل	ابعاد	معرفها	ردیف	عامل	ابعاد	معرفها
			مردم علیه او کمک بگیرم.				
۱۲			اگر نوجوانان در فضاهای عمومی به بقیه بی‌احترامی کنند، مردم به آنان تذکر می‌دهند.	۱۷			جاهایی که در آن پیاده‌روها از سواره‌روها تفکیک نشده است.
۱۳			اگر در محله ما کسی دختران و زنان را آزار و اذیت کند، دیگران به‌نوعی علیه او اقدام می‌کنند.	۱۸			محل‌هایی که در آن افراد ولگرد پرسه می‌زنند.
۱۴			بیشتر اوقات بیرون از خانه یا در مکان‌های عمومی شهر هستم.	۱			محل‌هایی که در آن‌ها کارتن‌خواب‌ها حضور دارند.
۱۵			بخشی از اوقات روزانه‌ام را با دوستانم در فضاهای عمومی شهر سپری می‌کنم.	۲			جاهایی که در آن بزرگ‌سالان با صدای بلند جروب‌بحث می‌کنند.
۱۶			اگر در محیط خلوتی قرار بگیرم، نوع لباس پوشیدنم باعث می‌شود که دیگران طمع کنند یا بخواهند مزاحمت ایجاد کنند.	۳			مکان‌هایی که در آن‌ها جوانان تجمع می‌کنند.
۱			اشیای گران‌قیمت را با خود حمل نمی‌کنم.	۴	سبک زندگی		در زندگی کسی یا کسانی را دارم که همدم من باشند.
۲			اشیای گران‌قیمت مانند تلفن همراه یا طلا و جواهرات را در فضاهای عمومی به نمایش نمی‌گذارم.	۵			به هنگام بیماری کسی را دارم که از من حمایت کند.
۳			شیوه لباس پوشیدنم همانند عرف هم‌سالانم نیست.	۶			در زندگی کسانی را دارم که به من توجه کنند.
۴			به پاساژها و سایر مراکز خرید علاقه دارم و گاهی اوقات بخشی از زمانم را در این مراکز سپری می‌کنم.	۷			در زندگی کسانی را دارم که به من محبت کنند.

ردیف	عامل	ابعاد	معرفها	ردیف	عامل	ابعاد	معرفها
۵	اطلاعاتی		کس یا کسانی را دارم که در هنگام مشکلات از آن‌ها راهنمای بگیرم.	۸	در کل به نظر اطرافیانم درباره‌ی خواسته‌ها و رفتارهایم توجه چندانی نمی‌کنم.		از کارهای هیجانی و خطرپذیر لذت می‌برم.
۶			در شهر گاهی اوقات از افراد قابل اعتماد راهنمایی می‌گیرم.	۹			با دوستانم به پارتی و یا مهمانی‌های دوستانه (غیر خانوادگی) می‌روم.
۷			اگر در شهر برایم مشکلی پیش بیاید، می‌توانم از همشهریانم راهنمایی بگیرم.	۱۰			
۸	اجزای		اگر به لحاظ مالی به مشکل بر بخورم، کسانی را دارم که از آنان کمک بگیرم.	۱۰			
۹			اگر در شهر برایم مشکلی پیش بیاید، می‌توانم از همشهریانم کمک بگیرم.				
۱۰			اگر در شهر برایم مشکلی پیش بیاید، می‌توانم از پلیس کمک بگیرم.				

ردیف	عامل	معرفها	ردیف	نتیجه	ابعاد	معرفها
۱	توجه توجه توجه	پلیس در شهر ما قادر به پیشگیری از جرم و جنایت است.	۱	توجه توجه توجه	توجه توجه توجه	در شب می‌توانم در کوچه یا خیابان بدون نگرانی بیرون بروم و پیاده‌روی کنم.
۲		پلیس در شهر ما قادر به پاسخگویی به مسائل شهری در حوزه امنیت اجتماعی است.	۲			اگر فرزند یا فرزندانمان را تنها به مدرسه بفرستیم، مشکلی پیش نمی‌آید.
۳		پلیس شهر ما قادر است مشکلاتی که مردم را نگران	۳			هنگام پیاده‌روی در کوچه و خیابان یا فضاهای عمومی

ردیف	عامل	معرفها	ردیف	نتیجه	ابعاد	معرفها
		کرده است، حل کند.				نگران تعرض دیگران نیستم.
۴		پلیس در شهر ما قادر به حفظ نظم و امنیت در خیابانها و پیاده‌روهاست.	۴			بدون ترس از آزار و اذیت می‌توانم در فضاهای عمومی حضور داشته باشم.
۵		پلیس در شهر ما قادر به حفظ نظم و امنیت در خیابانها و پیاده‌روهاست.	۵			گاهی اوقات در فضاهای عمومی شهر نگرانم که توسط مردان تعقیب شوم.
۶		پلیس در شهر ما قادر به پاسخگویی به مردم است؛ بعدازاینکه قربانی جرم می‌شوند.	۶			هنگام حضور در خیابانها نگران نگاه خیره مردان نیستم.
۷		پلیس در شهر ما با مردم احترام‌آمیز رفتار می‌کند.	۷			هنگام حضور در فضاهای عمومی شهر همچون کوچه و خیابان، نگران متلک گفتن و تیکه انداختن مردان نیستم.
۸		اگر مشکلی همچون مزاحمت و سرقت پیدا کنم در وهله اول به پلیس مراجعه می‌کنم.	۸			هنگام حضور در فضاهای شهر همچون پیاده‌روها و فروشگاهها نگران تماس‌های فیزیکی از سوی مردان هستم.
۹		پلیس در شهر ما میان مسائل امنیت اجتماعی زنان و مردان همچون تأمین امنیت و رسیدگی به شکایات تبعیض قائل نمی‌شود.	۹			هنگام حضور در فضاهای شهر همچون خیابانها نگران بوق زدن از سوی مردان نیستم.
۱۰		پلیس در شهر ما قادر به پیشگیری از جرم و جنایت است.	۱۰			برخی مواقع، همچون شبها یا در مکان‌های خلوت نگران این نیستم که به من تجاوز شود.
۱	فعالیت‌های روزمره	هرازگاهی بخشی از وقتم را شبانه به‌صورت فردی در مکان‌های خلوت مانند بوستان‌ها سپری می‌کنم.	۱۱			هنگام حضور در وسایل حمل‌ونقل عمومی همچون تاکسی و اتوبوس نگران اذیت و آزار از سوی مردان هستم؛

ردیف	عامل	معرف‌ها	ردیف	نتیجه	ابعاد	معرف‌ها
						مثل تنه زدن یا دست‌مالی.
۲		بخشی از وقتم را در مکان‌های شلوغ شهر همچون چهارراه‌ها یا بازار سپری می‌کنم.	۱۲			هنگامی که در شهر هستم، نگران پاییده شدن از سوی مردان نیستم.
۳		برایم فرقی نمی‌کند که سوار تاکسی یا خودروهای شخصی شوم.	۱۳			نگرانم که هنگام حضور در فضاهای عمومی شهر، درگیری رخ دهد و من صدمه ببینم.
۴		گاهی اوقات در مکان‌های پرخطر و ناامن حضور می‌یابم.	۱۴			بدون اینکه نگران خفت شدن باشم، هر وقت بخواهم می‌توانم از خانه بیرون بروم.
۵		به دلیل کارم مجبورم صبح زود از منزل بروم یا شب‌ها دیروقت به خانه برگردم.	۱۵		آمنیت شهری	نگران قاپیدن وسایلم مانند کیف و موبایل در فضاهای شهری نیستم.
۶		بیشتر سعی می‌کنم در مکان‌هایی حاضر شوم که توجه پسرها یا مردان را جلب کنم.	۱۶			بدون اینکه نگران به سرقت رفتن اشیای ارزشمند فرزند یا فرزندانم باشم، آنان را بیرون می‌فرستم.
۷		گاهی اوقات در مکان‌ها یا فضاهای شلوغ حضور پیدا می‌کنم.	۱۷			از کار کردن در شهر یا در فضاهای تجاری نمی‌ترسم.
			۱۸		امنیت شخصی	برای رفت‌وآمد به محل کار بدون ترس و نگرانی از وسایل حمل‌ونقل عمومی استفاده می‌کنم.
		گاهی بخشی از وقتم را شبانه به‌صورت فردی در مکان‌های خلوت، مانند بوستان‌ها، سپری می‌کنم.	۱۹			فکر نمی‌کنم که در محل کار امنیت من توسط همکاران یا شهروندان به خطر بیفتد.
۸			۲۰			گاهی اوقات نگرانم که به دلیل آزار در محل کارم مجبور شوم شغلم را رها کنم.
			۲۱			گاهی اوقات نگرانم که مدیر یا کارفرمایم به هر دلیلی

ردیف	عامل	معرفها	ردیف	نتیجه	ابعاد	معرفها
						خواسته‌های غیرمعقول از من داشته باشد.
			۲۲			یکی از نگرانی‌های من در محیط کار، رفتارهای تبعیض‌آمیز است.
			۲۳			زمانی که محل کار خلوت می‌شود، ترس و نگرانی خاصی ندارم.
			۲۴			از اینکه وارد محیط‌های شلوغ شهر شوم، می‌ترسم.
			۲۵			فکر می‌کنم برخی از مردها در خیابان‌ها و فضاهای عمومی شهر همیشه در کمین هستند تا به زنان و دختران آسیب بزنند.
			۲۶			هنگامی که در مناطق خلوت شهر هستم، احساس ترس و نگرانی نمی‌کنم.
			۲۷			فکر می‌کنم برخی از خودروهایی شخصی که به جابه‌جایی مسافر می‌پردازند، برای زنان و دختران دام‌پهن کرده‌اند.
			۲۸			بدون اینکه نگران طرز پوشش و آرایشم باشم، در فضاهای عمومی شهر حضور پیدا می‌کنم.

امید: روان‌شناس

نتیجه‌گیری

امروزه استفاده از مدل‌های عمومی و شاخص‌سازی معتبر از این مدل‌ها در پژوهش‌های نظری در نهادهای آموزشی و سازمان‌های اداره حوزه عمومی اهمیت دارد؛ چراکه بسیاری از سیاست‌گذاران و دانشمندان می‌خواهند بدون اتلاف وقت پدیده‌های تحت مطالعه خود را ارزیابی کنند. در این مقاله نیز برای دستیابی به مدلی جامع درباره امنیت اجتماعی زنان در فضاهای شهری و

شاخص‌سازی آن با مرور تحقیقات و نظریات حوزه امنیت و امنیت زنان در فضاهای شهری و بررسی دیدگاه کارشناسان این حوزه به دست تلاش شد.

در پژوهش‌های از این دست لازم است بین سه سطح پل زده شود؛ چراکه برای بررسی پدیده در کنار نظریه‌های عام باید به متن جامعه توجه کنیم. سطح اول دیدگاه‌های نظری است که به بررسی نظری پدیده می‌پردازند. در این پژوهش ابتدا همه نظریه‌های این حوزه مرور شد و مدل نسبتاً جامعی به منظور داوری در اختیار اعضای پنل قرار داده شد. سطح دوم دیدگاه‌های کارشناسان این حوزه است. آنان دانش نظری و تجربی درخور توجهی درباره موضوع تحقیق دارند؛ از این رو می‌توانند مجموعه‌ای غنی از اطلاعات را در اختیار محقق بگذارند. در همین راستا با استفاده از روش دلفی دیدگاه‌های آنان در سه راند جمع‌آوری شد. سطح سوم گذار از سطح نظری به سطح انضمامی برای مطالعه موضوع است. این امر مستلزم شاخص‌سازی است. به همین منظور با استفاده از ادبیات این حوزه و تحلیل نظرات اعضای پنل شاخص‌های معتبر برای موضوع مورد مطالعه تدارک دیده شد.

نقدهای وارد به پژوهش‌های این حوزه که در این مقاله سعی کردیم آن‌ها را برطرف کنیم، عبارت است از: ۱. به‌طور کامل و نظام‌مند به چارچوب نظری این حوزه رجوع نشده است. بسیاری از پژوهش‌ها بسته به رشته‌ای که محقق خوانده است، به یکی از ابعاد فضایی یا اجتماعی پدیده پرداخته بودند. در حالی که امنیت اجتماعی زنان متأثر از همه عوامل است. به همین منظور در این پژوهش همه ابعاد اجتماعی، محیطی، فرهنگی و اقتصادی موضوع مدنظر قرار گرفت.

۲. فرایند ساخت شاخص‌سازی امنیت اجتماعی زنان در فضاهای شهری در برخی از پژوهش‌ها تصریح نشده بود. محققان در این پژوهش‌ها راجع به فرایند شاخص‌های ساخته‌شده توضیح کافی ارائه نداده بودند و همچنین کفایت ابعاد موضوع بررسی نشده بود. در این پژوهش با مرور جامع ادبیات نظری، شاخص‌های موجود و بررسی دیدگاه کارشناسان و درنهایت ترکیب آن‌ها شاخص‌های جامع و معتبر تهیه شد.

۳. برخی از معرف‌های ناظر بر پژوهش‌های این حوزه بسیار انتزاعی بودند و بعضی دیگر قادر به سنجش آن مؤلفه با متغیر نبودند.

از این رو در این پژوهش با بررسی جمع ادبیات این حوزه و دیدگاه کارشناسان با استفاده از روش مناسب مدل و شاخص‌سازی چندبعدی درباره امنیت اجتماعی زنان در فضاهای شهری برآمد. در همین راستا پس از مرور و نقد ادبیات این حوزه زمان قابل‌توجهی صرف مدل‌سازی و

شاخص‌سازی شد. این امر کمک کرد که تمام ابعاد پدیده مورد مطالعه دیده شود و همچنین با استفاده از روش دلفی مدل و شاخص‌های تدارک‌دیده‌شده ارزیابی شوند و در نهایت مدل جامع به همراه شاخص‌های معتبر برای آن‌ها تهیه شود. دیدگاه متخصصان این حوزه در راند اول بیشتر ناظر بر معرفی ابعاد و مؤلفه‌های جدید، ترکیب برخی از مؤلفه‌ها، پیشنهاد معرف‌های جدید و در نهایت امتیاز دادن به معرف‌ها بود. در راند دوم نیز دیدگاه‌ها بیشتر ناظر به دقیق کردن مدل به لحاظ ترکیب عوامل، تعیین دقیق عامل‌ها و سازوکارهای علی و ارزیابی دقیق از سنجه‌ها بود. در نهایت در راند سوم مدل و شاخص‌های آن اعتباریابی شد. در راند سوم میانگین رضایت از شاخص‌سازی یعنی معرف‌هایی که برای هر یک از شاخص‌ها تدارک‌دیده‌شده بود (۴,۳۶) بود که به معنای رضایت بیشتر از زیاد بود. در نهایت مدل شامل ۹ عامل علی (سرمایه اجتماعی، نگرش به عملکرد پلیس، نوع فعالیت‌های روزمره، بی‌نظمی‌های شهری، سبک زندگی ارزش‌ها و نگرش‌های جنسیتی و عوامل زمینه‌ای سن، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و وضعیت تأهل) و دو سازوکار (حمایت و کنترل اجتماعی) و یک نتیجه یعنی احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای شهری بود. لازم به ذکر است بسیاری از عوامل و سازوکارها و همچنین نتیجه دارای مؤلفه‌های مختلفی بودند که در بخش شاخص‌سازی به آن‌ها اشاره شد.

یافته‌های نهایی این پژوهش ارائه مدلی چندبعدی جهت توضیح و تبیین امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی شهری و شاخص‌سازی معتبر است. این مدل به خوبی توانسته است ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و محیطی/کالبدی اثرگذار بر امنیت اجتماعی زنان در فضاهای شهر و سازوکارهای آن‌ها را تلفیق کند. بر اساس یافته‌های پژوهش امنیت اجتماعی تنها توسط یک عامل یا مجموعه‌ای از عوامل در یک بعد همچون ابعاد محیطی یا اجتماعی قابل توضیح نیست، بلکه همه عوامل در ترکیب باهم و با اثرگذاری بر سازوکارهای همچون کنترل اجتماعی و حمایت اجتماعی است که می‌توانند امنیت اجتماعی زنان در فضاهای شهری را توضیح دهند. همچنین این مدل در سه راند شاخص‌سازی شد و برای هر یک از شاخص‌ها معرف‌های معتبر تهیه گردید. از این رو عالمان و مدیران این حوزه می‌توانند مدل بالا را بر جامعه مورد مطالعه قرار دهند و امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی شهر را بررسی کنند.

- آزاد، نفیسه و کلانتری، عبدالحسین. (۱۳۹۳). *امنیت اجتماعی در شهر تهران* (مرور نظام‌مند تحقیقات انجام‌شده در موضوع امنیت اجتماعی شهر تهران). مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران. آبادری، یوسف؛ صادقی فسایی، سهیلا و حمیدی، نفیسه. (۱۳۸۷). *احساس ناامنی در تجربه زنانه از زندگی روزمره*. پژوهش زنان. ۶ (۱): ۱۰۳-۷۵.
- اجتهادی، مصطفی؛ قادری، صلاح‌الدین و خضری، فرشید. (۱۳۹۸). *ارائه مدلی عمومی برای محله جرم خیز*. *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*. ۹ (۳۲): ۳۲-۱.
- اکبری، رضا و پاک‌بنیان، سمانه. (۱۳۹۱). *تأثیر کالبد فضاهای عمومی بر احساس امنیت اجتماعی زنان* (نمونه موردی: محله نارمک و شهرک اکباتان شهر تهران). *معماری و شهرسازی (هنرهای زیبا)*. ۱۷ (۲): ۶۴-۵۳.
- افشانی، سید علی‌رضا و ذاکری ماهانه، راضیه. (۱۳۹۱). *مطالعه تطبیقی میزان احساس امنیت اجتماعی زنان و مردان ساکن شهر یزد*. زن در توسعه و سیاست. ۱۰ (۳): ۶۲-۱۴۵.
- بوزان، باری. (۱۳۹۷). *مردم، دولت‌ها و هراس*. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پرتوی، پروینو (۱۳۹۴). *زنان و زندگی شهری* (ج ۴، زنان و فضاهای عمومی شهری). تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- جمالی، هاجر و شایگان، فریبا. (۱۳۹۰). *نقش تاکسی بی‌سیم بانوان بر احساس امنیت زنان تهرانی*. پژوهش‌های مدیریت انتظامی (مطالعات مدیریت انتظامی). ۶ (۱): ۱۱۴-۹۵.
- رحیمی خورشیدوند. (۱۳۸۸). *بررسی نقش مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد (N.G.O) در برقراری نظم و امنیت*. *توسعه‌سازمانی پلیس*. ۶ (۲۵): ۳۵-۴۴.
- روستاین، بو (۱۳۹۳). *دام‌های اجتماعی و مسئله اعتماد*. ترجمه لادن رهبری و دیگران. تهران، نشر آگه.
- شاه‌حسینی، پروانه. (۱۳۸۴). *سکونت‌گاه خودرو و امنیت اجتماعی مورد: شهر پاکدشت*. *جغرافیا و توسعه*. ۳ (۶): ۷۲-۱۵۷.
- شربتیان، محمدحسن؛ دانش، پروانه و احمدی، اعظم. (۱۳۹۴). *زن و جامعه*. مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان کلان‌شهر مشهد. ۶ (۲۱): ۶۶-۱۴۳.
- کامران، فریدون و عبادتی نظرلو، سمیه. (۱۳۸۹). *بررسی عوامل اقتصادی اجتماعی مؤثر بر احساس آرامش و امنیت اجتماعی زنان دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه‌های شهر تهران*. *پژوهش اجتماعی*. ۳ (۶): ۵۶-۴۳.
- کلمن، جیمز (۱۳۹۰). *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.

علیخواه، فردین و نجیبی رفیعی، مریم. (۱۳۸۵). *زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری. رفاه اجتماعی*. ۶ (۲۲): ۳۲-۱۰۹.

غرایان زندی، داوود. (۱۳۹۲). *امنیت و آزادی در اسلام. مطالعات راهبردی*. ۱۸ (۴): ۴۸-۲۱.
غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). *سرمایه اجتماعی و انتظام اجتماعی*. تهران، انتشارات جامعه شناسان.
فاضل قانع. حمید. (۱۳۹۱). *درآمدی بر سبک زندگی اسلامی. مطالعات اجتماعی و رسانه*. ۱ (۲): ۳۴-۹.
قاضی نژاد، مریم، شاکری، فرشته و خالقی، علیرضا. (۱۳۹۴). *جنسیت، امنیت و فضا (زنان، جرم و امنیت در شهر تهران)*. در حسین، سراج زاده. *زنان و زندگی شهری (ج ۵ زنان و مسائل اجتماعی)*. تهران: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران.

مشکینی، ابوالفضل، رحیمی، حجت‌الله و صالحی، اسماعیل. (۱۳۹۲). *ادراک امنیت محله‌ای و استفاده از فضای عمومی: تفاوت‌های جنسی و سنی در مرکز تهران. مطالعات اجتماعی-روانشناختی زنان*. ۱۱ (۱): ۵۰-۱۲۵.

ملکی، امیر، فرهاد رستگار نسب و جعفر عبدالملکی (۱۳۸۹). *زندگی شهری، ترس از قربانی شدن و کاهش سرمایه اجتماعی در کلان‌شهر تهران. فصل‌نامه بررسی مسائل اجتماعی ایران*. ۲ (۱): ۱۲-۹۹.

میرحسینی، زهرا. (۱۳۸۷). *بررسی جامعه‌شناختی علل و عوامل مؤثر بر ترس از جرم در زنان شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته جامعه‌شناسی. دانشگاه تهران.

نیازی، محسن، شقایب مقدم، الهام و یاسمن شادفر. (۱۳۹۰). *بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق شمال (۱ و ۲) و جنوب شهر (۱۹ و ۲۰) تهران*. فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان. ۲ (۳): ۶۰-۱۳۱.

Graham, S, & Aurigi, A. (1997). Virtual cities, social polarization, and the crisis in urban public space. *Journal of Urban Technology*, 4(1), 19-52.

Brantingham, Paul and Brantingham Patricia. (2008). Crime pattern theory. In Wortley, Richard and Mazerolle (eds.), Lorraine. *Environmental Criminology and Crime Analysis*. Willan Publishing.

Brown, J. M, & Walklate, S. L. (Eds). (2011). *Handbook on sexual violence*. Routledge.

Bursik, R. J. Jr. (1999). The informal control of crime through neighborhood networks. *Sociological Focus*, 32, 85-98.

Buzan, B, Wæver, O, Wæver, O, & De Wilde, J. (1998). *Security: A new framework for analysis*. Lynne Rienner Publishers.

Cockerham, W. C. (1997). The social determinants of the decline of life expectancy in Russia and Eastern Europe: a lifestyle explanation. *Journal of Health and Social Behavior*, 117-130.

Cohen, Lawrence E and Felson, Marcus. (1979). Social change and crime rate trends: A routine activity approach. *American Sociological Review*, 44: 588-608.

Le Blanc, Marc. (2006). Self-control and social control of deviant behavior in context: development and interactions along the life course. In Wikstrom Per-Olof H. & Sampson

- Robert J. (eds.), *The Explanation of Crime Context, Mechanisms, and Development*. Cambridge University Press.
- Mean, M., & Tims, C. (2005). *People make places: growing the public life of cities*. Demos.
- Newman, Oscar. (1996). *Creating Defensible Space*. u. s. Department of housing and urban development
- Newman, Oscar. (1972) *Defensible Space*, New York: Macmillan.
- Putnam, R. (1996). Who killed civic America. *www.prospect.magazine.co.uk*.
- Shaw, Clifford R. and Henry D. McKay. ([1942] 1969). *Juvenile Delinquency and Urban Areas*. Chicago: University of Chicago Press.
- Sidebottom, Aidenand and Wortley, Richard. (2016). Environmental Criminology.in Piquero, Alex R (Ed). *The Handbook of Criminological Theory*. Wiley Blackwell press.
- Siegel, L. (2015). *Criminology: Theories, patterns, and typologies*. Nelson Education.
- Sousa, W.H. and Kelling, G.L. (2006). Of Broken Windows, Criminology and Criminal Justice', in D. Weisburd and A. Braga (Eds) *Police Innovation: Contrasting Perspectives*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Triplett, R.A, Gainey, R.R, & Sun, I.Y. (2003). Institutional strength, social control, and neighborhood crime rates. *Theoretical Criminology*, 7, 439–467.
- Viswanath, K, & Mehrotra, S. T. (2007). 'Shall we go out?'Women's safety in public spaces in delhi. *Economic and political weekly*, 1542-1548.
- Vold, G. B, Bernard, T. J, & Snipes, J. B. (2002). *Theoretical criminology* (5th ed). New York, NY: Oxford University Press.
- Wilson, J. Q, & Kelling, G. L. (1982). Broken Windows: The Police and Neighborhood Safety, *atlantic monthly*.
- Wikström, P.O.H. (1990). Delinquency and urban structure, in P.O.H. Wikström (ed.) *Crime and Measures against Crime in the City*, Stockholm: National Council for Crime Prevention.
- UNIFEM. (2010). *Safe cities: Red Mujery Habitat Latin America &women in cities International*.